

دکترین سلیمانی؛ خنثی کننده پروژه خاورمیانه بزرگ



نوید کمالی
کارشناس ارشد
سیاست خارجی

در عصر پرتلاطم کنونی که نظام سلطه سعی در تمحیل اراده بر ملت‌های مستقل دارد، ظهور شخصیت‌های تأثیرگذار نقطه‌عطفی در تاریخ مبارزات آزادی‌خواهانه به شمار می‌رود.

سردار سلیمانی به عنوان یکی از برجسته‌ترین استراژیست‌های نظامی - سیاسی قرن بیست‌ویکم، نقشی محوری در خنثی‌سازی پروژه بلندپروازانه آمریکا موسوم به «The Great Middle East Project» ایفا کرد. این

طرح که در ادبیات سیاسی به «پروژه خاورمیانه بزرگ» شهرت یافت، بخشی از استراتژی آمریکا برای بازطراحی نقشه سیاسی غرب آسیا بود. در ژوئن ۲۰۰۶، کاندولیزا رایس، وزیر خارجه دولت جورج بوش، در یک سخنرانی در دومی، مفهوم «Constructive Chaos» یا «هرج هرج به مرح سازنده» را مطرح کرد. این اصطلاح به استراتژی آمریکا برای ایجاد بی‌ثباتی کنترل شده در منطقه اشاره داشت.

اهداف اصلی این پروژه که در قالب سند «Middle East Partnership Initiative» یا «طرح مشارکت خاورمیانه‌ای» تدوین شده بود، شامل موارد زیر می شد: تجزیه کشورهای بزرگ و تأثیرگذار منطقه به واحدهای کوچک‌تر و قابل کنترل، تضعیف سیستماتیک قدرت‌های مستقل منطقه‌ای، گسترش نفوذ رژیم صهیونیستی به عنوان متحد استراتژیک آمریکا، کنترل منابع انرژی و مسیرهای ترانزیتی، ایجاد پایگاه‌های نظامی تحت عنوان مبارزه با تروریسم.

در مقابل این برنامه، سردار سلیمانی با درک عمیق از ماهیت پروژه آمریکا و پیامدهای ویرانگر آن برای منطقه، استراتژی چندلایه‌ای را برای مقابله با آن طراحی کرد. رویکرد او که بعدها در ادبیات علمی جهان به «دکترین سلیمانی» معروف شد، ترکیبی از عملیات‌های نظامی، دیپلماسی فعال منطقه‌ای و بسیج نیروهای مردمی بود.

این دکترین بر چهار اصل استوار بود: تقویت محور مقاومت به عنوان یک بلوک ژئوپلیتیک، ایجاد اتحادهای راهبردی فراتر از مرزهای مذهبی و قومی، توسعه توانمندی دفاعی بومی کشورهای منطقه و مقابله با نفوذ تروریسم

یادداشت

شهید سلیمانی قوت قلب احمد شاه مسعود بود



احمد بشیر صمیم
رئیس بنیاد فرهنگی احمدشاه مسعود در مشهد

۱۳ جدی(دی) مصادف است با سالروز خاموش شدن چراغی که فروغ آن، بخشی عظیم از جغرافیای کشورهای اسلامی را در معرض تاپش بیداری و حق‌خواهی قرار داد. چهره ماندگار در جهان اسلام بود و آرزایش عزت و اقتدار ملل مسلمان و اعاده حیثیت از دست‌رفته امت اسلامی.

شهید مقاومت اسلام سردار سرافراز جهاد و مقاومت حاج قاسم سلیمانی از معدود چهره‌هایی بود که شجاع اثرگذار مبارزاتی‌اش جغرافیای فراتر از کشورش را در نوردید. باور جهان شمول اسلامی‌اش او را در کنار ملت‌های مسلمان در اقصی نقاط عالم اسلام کشاند و شریک درد ملت‌های مسلمان ساخت. در ایجاد هم‌آوایی میان فریادهای مقاومت که از هر کجای عالم برخاست، نقش آفرینی کرد. صغوف مقاومت را با دست و اندیشه مقاومتگران تجهیز کرد. بصیرت و بینایی عمیق دینی را با اندیشه مبارزان آشنا ساخت. نبرد با داعش، جنگ علیه یک انحراف عمیق در میان امت اسلامی بود که به خوبی تا اضمحلال کامل آن را رهبری و فرماندهی کرد. با حضور مستشاری و قطعی خود در کنار دولت

اسلامی افغانستان به رهبری شهید صلح استاد برهان الدین ربانی در روزگار سخت مقاومت مردم مجاهد افغانستان در برابر تروریسم بین‌المللی ادای مسئولیت اسلامی کرد. با حمایت از مقاومت

یادداشت

دو وجه متباین در یک شخصیت



عباس سلیمی نمین
تاریخ پژوه

شخصیت شهید بزرگوار سپهبد حاج قاسم سلیمانی، واحد خصوصیات مختلفی بود که متأسفانه هر جریان بنا بر سلاقی خود برخی از آن خصوصیات را برمی‌گزینند و برخی دیگر را به یاد فراموشی می‌سپارند.

شهید سلیمانی با اینکه به اصول و مبانی انقلاب اسلامی بسیار مقید و پایبند بود، اما همزمان دارای انچهنان وسعت نظری بود که هرگز در مورد این مبانی در مسیر تحمیل عقیده قرار نمی‌گرفت و از پشتوانه قدرت برای پیشبرد مبانی فکری خود استفاده نمی‌کرد. اینها دو وجه به‌ظاهر متضاد هستند، اما در واقع در یک شخصیت پدیدار گشته بودند.

برخی می‌گویند وقتی ما به اصولی پایبند هستیم چه اشکالی دارد که از مبانی قدرت استفاده کنیم و کار تبیینی و اقناعی سخت را دنبال نکنیم، از موضع قدرت بگوییم و دستور دهیم که این اصول باید پیاده شود و باید هم پیاده شود. اما سردار شهید معتقد بود که تفکر، اندیشه و سلاقی همه را در نظر بگیریم و در مسیر دفاع حرکت کنیم.

سردار شهید سلیمانی در ارتباط با جریانات مختلف درون انقلاب، روپهای از خود نشان داده که باید الگوی همگان باشد. ایشان در تعامل با گرایش‌های مختلف بود و معتقد بود که برای

یادداشت



ز یاد النخاله
دبیرکل جنبش جهاد اسلامی

به مناسبت پنجمین سالگرد شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی، دستخط اختصاصی زیاد النخاله دبیرکل جنبش جهاد اسلامی فلسطین دربراه حاج قاسم برای اولین بار منتشرمی‌شود که به شرح ذیل است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

فرمانده بزرگ قاسم سلیمانی.

او مردی بود که تمام فکر و قلبش قدس بود و این را در دل هزاران مجاهد کاشت و خود نیز با شهادت رفت. پیام او هنوز فضای مکان و زمان را پر می‌کند و هدف او با عزم مردانی که میراثش هستند، به نتیجه خواهد رسید. این رمز کسانی است که حامل پیام‌های بزرگ بودند و این راه و مسیر به خواست خدا تا قدس ادامه دارد.

ز یاد النخاله

شهید قاسم سلیمانی سرباز همه ایرانیان بود

ایران سپاهبد

رویکرد شهید سلیمانی، تهدیدزدایی از امنیت ملی و ایجاد فرصت برای تثبیت عمق راهبردی ایران بود. رویکردی که در کنار شخصیت فرا جناحی و وطن پرستی اش، او را به قهرمان و نخ تسمیح وحدت ملی مردم ایران تبدیل کرده است

این سؤال است که «قاسم سلیمانی» چگونه «قاسم سلیمانی» شد؟

سرپلند بحران‌ها

غرب آسیا بحران‌زا و بحران خیزترین منطقه دنیا حداقل در ۲۵ سال گذشته بوده است. از مهم‌ترین رخدادهایی که این منطقه در قرن جدید به خود دید، می‌توان به حوادث افغانستان، عراق، سوریه و حتی یمن اشاره کرد. هر یک از این حوادث، ویژگی‌ها، عوامل و اتفاقات مختص به خود را دارد، اما فصل مشترک همه آنها، ارتباط‌شان با امنیت ملی و سرزمینی ایران است. هر یک از بحران‌هایی که در دهه‌های اخیر، منطقه به خود دیده، به نوعی درصدد تضعیف قدرت، حضور و نقش منطقه‌ای ایران بوده‌اند.

بحران افغانستان به بهانه مبارزه با دولت طالبان از سوی آمریکا آغاز شد، اما هدف میدانی آن روی کار آمدن یک حکومت طرفدار یا وابسته به آمریکا و حضور نظامی در مرزهای شرقی ایران بود. بحران عراق هم شرایط مشابهی داشت. نابودی سلاح‌های شیمیایی عراق صرفاً بهانه‌ای برای تغییر رژیم عراق به‌منظور تثبیت نفوذ آمریکا در منطقه و حضور

گزارش

علی عوض خواجه

روزنامه‌نگار

اسطوره‌ها در شکل‌گیری هویت ملی در مرزهای سرزمینی ایران نقش مهمی داشته‌اند. در نظر این اسطوره‌ها، ایران سرزمینی است که مرکز جهان قرار دارد و فداکاری برای حفاظت از تمامیت ارضی و امنیت آن، از ملزومات وطن‌پرستی محسوب می‌شود. همین عامل باعث می‌شود تا نظر جامعه نسبت به گرامی‌داشت و تأکید بر هویت ملی، بیش از پیش جلب شود. در تاریخ معاصر ایران نام‌هایی به چشم می‌خورد که هرکدام به نوبه خود، در مسیر هویت ملی کام برداشته‌اند، اما «قاسم سلیمانی»

مهم‌ترین نامی است که تاریخ ایران، حداقل در چند دهه گذشته به خود دیده است. در تصدیق این گزاره، اشاره به محبوبیت او در جامعه ایرانی - فارغ از تفکرات سیاسی مختلف و در برخی موارد متضاد - کفایت می‌کند. آنچه مهم است، پاسخ به

خاورمیانه؛ قبل و بعد حاج قاسم

برای اینکه تأثیر حضور شهید سلیمانی و نگاه استراتژیک او به منطقه را درک کنیم، باید خاورمیانه را به دو تاریخ خاورمیانه قبل و بعد از حاج قاسم تقسیم کنیم. در این تقسیم بندی است که مشخص می‌شود او چگونه توانست تحول بزرگی در منطقه ایجاد کند. جبهه مقاومت در دوران شهید سلیمانی همیشه پیروز میدان بوده و در هیچ جبهه‌ای منافع و موقعیت خود را از دست نداد.

پیش از جبهه مقاومت، منطقه شاهد نبردهای ناسیونالیستی عربی و مقاومت اسلامی بود. اما همه این نبردها در مقابل آمریکا و رژیم صهیونیستی شکست خورد. نمونه بزرگ آن جنگ‌های اعراب و اسرائیل بود. به عنوان مثال می‌توان به جنگ ۱۹۷۶م آمریکا و رژیم صهیونیستی با اعراب در منطقه اشاره کرد که طی آن موفق شدند جولان سوریه و صحرای سینا را تصرف کنند. در این نبرد رژیم صهیونیستی توانست کنترل کرانه غربی رود اردن را به دست بگیرد. در این تاریخ با شکست ناسیونالیسم عربی در میدان نبرد، آمریکا و اسرائیل توانستند به اهداف خود در منطقه دست یابند.

اما با حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه و به فرماندهی حاج قاسم، همه چیز تغییر کرد. این بار پیروزی از آن جبهه مقاومت بود. در یک نگاه کلان، می‌توان گفت نبرد خاورمیانه نبرد بین «ژوال مکنزی» و شهید سلیمانی بود که در تمام این نبردها مکنزی شکست خورد. در جنگ‌های سال‌های ۲۰۰۸، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۹ غزه که شهید سلیمانی حضور

یادداشت



مصطفی مزاده
سفیر سابق ایران در اردن

نظامی این کشور در مرزهای غربی ایران بود. پروژه ظهور گروه‌های تروریستی در عراق نیز به همین ترتیب بود و مشخصاً تضعیف قدرت منطقه‌ای ایران و تهدید امنیت ملی کشورمان را دنبال می‌کرد،

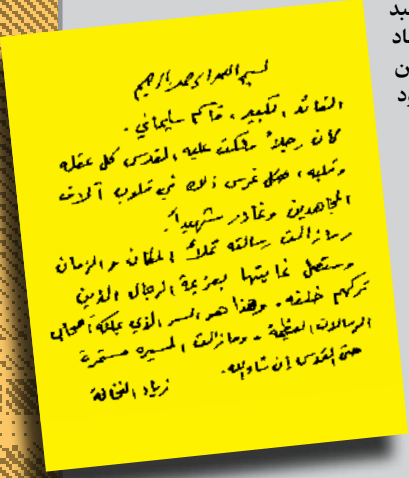
مشابه پروژه‌ای که از سال ۲۰۱۱ در سوریه کلید خورد. در بررسی شیوه مواجهه و مدیریت ایران با این بحران‌ها و اتفاقاتی که هرکدام تهدید بالقوه‌ای برای امنیت ملی به‌شمار می‌رفتند، ردپای شهید سلیمانی به‌وضوح دیده می‌شود.

عملکرد شهید سلیمانی در کسوت فرماندهی نیروی قدس سپاه، حاکی از نگرش فرصت‌ساز او نسبت به بحران‌هاست. در شرایطی که هرکدام از حوادث سال‌های اخیر منطقه می‌توانست خطری جدی برای امنیت ملی ایران باشد، مدیریت بحران شهید سلیمانی از تهدیدهای موجود فرصت‌های بی‌بدیلی برای ایفای نقش پررنگ‌تر از سوی جمهوری اسلامی در منطقه ایجاد کرد.

می‌توان به بهره‌برداری از سقوط صدام و خلأ قدرت در عراق برای نفوذ و تثبیت نفوذ در این کشور، تهدیدزدایی از مرزهای شرقی و دور نگه‌داشتن گروهک‌های تکفیری منطقه از مرزهای کشور اشاره کرد.

دستخط دبیرکل جهاد اسلامی فلسطین به مناسبت سالگرد شهادت حاج قاسم:

قدس تمام فکر و قلب شهید سلیمانی بود



بسم‌الله الرحمن الرحیم

افغانه، کلمبر، تمام سلیمانی.
کلان رهبر، ملکنه علی، لفرس کل عنله
ملنه، کلن فرس، لفرس، لفرس آفرس
افغانهین معادرسرهبر.
سر زانله سلانته کلنله، افغانه مر الزمان
مستکل غا بنهتا رهبریه ابراهه اللین
تکریم خلفه. رهبر ضر لفرس، لفرس بکله اصحاب
المرادون، الملغه - رهبر زانله، لفرس مسره
حده افغانه این شاهه.
ز یاد النخاله

داشت و نبرد با فرماندهی او دنبال می‌شد، آمریکا و متحدش شکست خوردند. در جنگ‌های سال ۲۰۰۰ و ۲۰۰۶ لبنان نیز که در دوران فرماندهی شهید سلیمانی بر سپاه قدس بود، جبهه مقاومت پیروز شد و با این پیروزی یک تحول بزرگ در خاورمیانه شکل گرفت و جبهه مقاومت توانست قدرت مانور بیشتری در منطقه به دست بیاورد. این درحالی است که «کاندولیزا رایس» مقام امنیتی وقت آمریکا مدعی شده بود به دنبال ایجاد یک خاورمیانه جدید هستند، اما با فرماندهی شهید سلیمانی و حضور همزمان در چندین جبهه آنان در دستنهایی به اهداف خود ناکام ماندند و شکست خوردند.

از نظر «ژئوپلیتیک» این جنگ به صورت مساوی برای طرفین به پایان رسید، اما از نظر «استراتژیک» آمریکا شکست خورد. زیرا استراتژی آمریکا در ۲۰۰۶ این بود که حزب‌الله را شکست دهد، در ۲۰۰۸ به دنبال نابودی حماس و تصرف غزه بود و در سال ۲۰۱۵ نیز در تلاش بود انصارالله یمن را نابود کند. در جبهه سوریه نیز استراتژی آمریکا سرنگونی دولت بود. اما در همه این استراتژی‌ها شکست خوردند و غرب و آمریکا نتوانستند به اهداف ژئوپلیتیک خود دست یابند. در عراق نیز تلاش‌های آمریکا و اسرائیل بی‌نتیجه ماند، زیرا مقرر شده بود داعش این کشور را تصرف کند، اما حاج قاسم با فرماندهی استراتژیک خود مانع پیروزی داعش در عراق شد. برای همین است که خاورمیانه و پیروزی‌های غرب در این منطقه را به باید به قبل و بعد از حاج قاسم سلیمانی تقسیم بندی کرد.